

نگاه

نگاهی به حضور سینمای ایران در عرصه‌های جهانی

کان شاهد بازاری...

احمدطالبی‌نژاد



حضور سینمای ایران در عرصه‌های بین‌المللی می‌تواند دو هدف اساسی را محقق کند؛ نخست دستیابی به بازاری گسترده با توجه به محدودیت بازار داخلی و سپس برقراری نوعی گفت‌وگوی فرهنگی با جهان. در مورد هدف نخست آنچه مسلم است این است که به رغم نزدیک به سه دهه حضور در مجامع و جشنواره‌های جهانی هنوز محصولات سینمای ایران در بازارهای جهانی مشتری مطمئن و دائمی ندارند. گهگاه فیلم‌هایی توسط برخی شبکه‌های تلویزیونی خریداری می‌شود یا در تعداد اندکی سالن سینما به نمایش درمی‌آید اما معنای آن حضور مستمر در این بازار نیست؛ درست مثل اتفاقی که در ایران می‌افتد. طی سه دهه گذشته تعداد قابل توجهی فیلم از کشورهای مختلف در ایران به نمایش درآمده است؛ از کره شمالی و جنوبی گرفته تا اروپا و آمریکا، روسیه، هند، چین و دیگر کشورها. اما محصولات این کشورها بازار مداومی در ایران ندارند، چنان که پیش از انقلاب سینمای کشورهای مثل هندوستان، ایتالیا، فرانسه، آمریکا و... حضور گسترده و مداومی در بازار فیلم ایران داشتند و برای این امر دفاتر نمایندگی کمپانی‌های تولید فیلم، دفاتر فعالی در ایران داشتند و تا چنین اتفاقی در مورد سینمای ایران نیفتد چیزی تغییر نخواهد کرد. حضور گهگاهی مثلاً در بازار فیلم کن یا سایر جشنواره‌ها نمی‌تواند چنین امری را عملی کند. سینمای ایران باید در کشورهای که بالقوه می‌توانند مشتری فیلم‌های ایرانی باشند دفاتر دائمی پخش دایر کند. اما چرا چنین اتفاقی نیفتاده؟ معلوم است.

سینمای ایران دولتی است یعنی به رغم حضور برخی تهیه‌کنندگان مستقل، صنعت سینمای ایران از بیخ و بن وابسته به نظام دولتی است، به ویژه در شرایط فعلی که حتی حضور در جشنواره‌ها هم باید با مجوز دولتی باشد. بنابراین تهیه‌کنندگان بخش خصوصی اگر هم بخواهند دفاتر ثابتی در آن سوسی مرزا داشته باشند به چند دلیل مشخصی قادر به چنین کار نیستند. چون از یک سو باید تحت نظارت نهادهای دولتی کار کنند و از سوی دیگر ماهیت سینمای ایران چنان نیست که بتواند برایش بازار گسترده و پررونقی فراهم کرد. این یک سینمای بومی است با ویژگی‌های فرهنگی و تکنیکی محدود که نمی‌توان انتظار داشت تماشائگرانی که با سینمای تجاری و پررونق آمریکا روبه‌رو هستند بخواهند اوقات فراغت خود را با این نوع فیلم که فاقد استانداردهای لازم برای جلب مخاطب جهانی است پر کنند. بنابراین تراسیسی دفاتر پخش توسط بخش خصوصی به احتمال زیاد مقرون به صرفه نیست. بنابراین تنها راه، دخالت دولت است یعنی همان کاری که «سواکسپورت فیلم» در سال‌های پیش از انقلاب در برخی کشورها از جمله ایران انجام می‌داد. فیلم‌های روسی در آن دوران، عمدتاً توسط این دفتر پخش می‌شدند. چون در مقابله با سینمای آمریکا و اروپا که آن روزگار سینماهای ایران را در قبضه خود داشتند، فیلم‌هایی نبودند که همه نیازهای تماشائگران را برآورده کنند.

هدف دوم که البته می‌تواند دوسویه باشد، دست‌کم یک سویش کم و بیش در جریان است. به هر حال طی سه دهه گذشته تعداد قابل توجهی فیلم ایرانی در جشنواره‌های جهانی، مجامع و شبکه‌های تلویزیونی عرضه شده است و به عنوان درپچه‌ای برای شناخت حال و هوای جامعه ایران مورد توجه روشنفکران و ناظران بین‌المللی قرار گرفته است. یعنی عرصه مردمی قضیه تا حدودی اتفاق افتاده است. می‌ماند وجه کلان قضیه که به ما مربوط نیست و به دولتیان مربوط است. چون در نهایت هر فیلمی می‌تواند به عنوان یک سفر فرهنگی و گاه سیاسی در بیرون مرزها عمل کند. اما در مجموع تلاش‌های صورت‌گرفته به هیچ وجه جریانی پایدار برای حضور سینمای ایران در بازار جهانی را رقم نزده است.

ما نیز امروز سینماگرانی داریم که از حد و مرزهای محدود داخلی فراتر رفته و در سینمای جهان جایگاهی شایسته دارند. آیا مسوولان امور سینمایی می‌توانند مانع حضور آثار کیارستمی، پناهی و دیگر سینماگران مستقل ایرانی شوند؟ اصلاً اگر فیلمسازی نخواهد به امکانات و حمایت‌های دولتی متکی باشد و بتواند برای اثرش بازارهای مناسبی دست و پا کند، چه کسی می‌تواند مانع آنها نشوند؟ دولت می‌تواند برای فیلمی که هزینه تولیدش را خود فراهم کرده، موانعی ایجاد کند ولی برای سینمای مستقل و غیردولتی، منطقی نیست که بخواهد مانع تراشی کند. ضمن اینکه در دنیای امروز این‌جور قید و بندها تقریباً بی‌معنی است چون همچون گذشته کسی دیگر نسخه ۳۵ میلیمتری فیلمش را زیر بغل نمی‌زند. امروزه یک فیلم کامل را می‌توان روی دی‌وی‌دی، فلش یا هر ابزار رایانه‌ای دیگری ذخیره و به هر جایی حمل کرد.

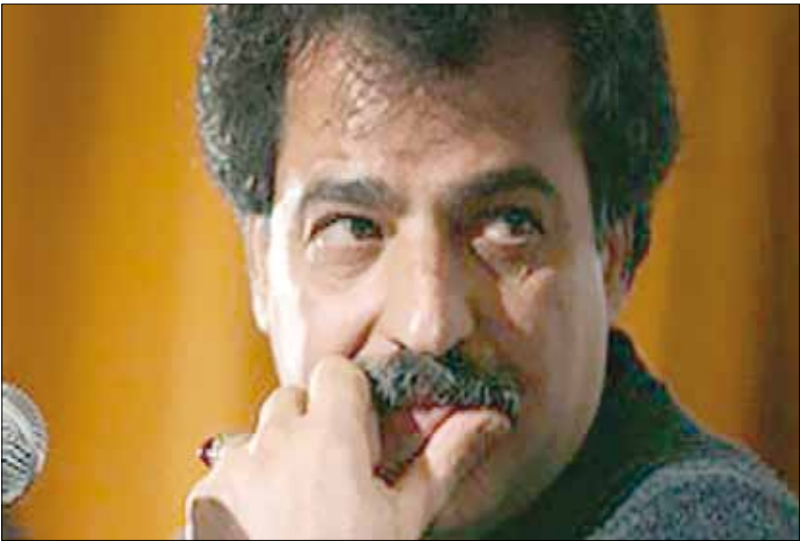
حضور سینمای ایران در عرصه‌های جهانی

با مطرح شدن فیلم تازه عباس کیارستمی در جشنواره کن، دوباره بحث حضور سینمای ایران در جشنواره‌های جهانی داغ شد؛ بحثی که طرفداران و مخالفان خود را داشته و دارد و همیشه چالش‌برانگیز است. همین نکته ما را به این فکر انداخت که میزگردی درباره وضعیت سینمای ایران در عرصه بین‌المللی برگزار کنیم. قرار بود در این میزگرد علاوه بر علیرضا رئیس‌ان و محمد اطیابی، علی معلم نیز حضور داشته باشد که نیامد. از سوی دیگر با منتقدانی چون ابوالقاسم طالبی و مسعود فراس‌تی نیز تماس گرفته شد اما آنها ترجیح دادند در این رسانه و در این نشست حضور نداشته باشند چیزی می‌خوانید بر آیند صحبت‌هایی است که در این نشست مطرح شد.

برداشت شما از وضعیت سینمای ایران در فضای بین‌المللی چیست و آیا به نظر شما هم سینمای ایران جایگاه قبلی خود را در این زمینه از دست داده است؟
اطیابی: طبیعتاً بله، الان کیفیت حضور فیلم‌ها ما به نسبت حتی دهه قبل در مرتبه پایین‌تری قرار دارد ولی اگر از لحاظ کمی بخواهیم بررسی کنیم باید بگویم این آثار همچنان رو به افزایش است و معمولاً نهادهای رسمی و دولتی به این آمار مراجعه می‌کنند. هرچند این آمار دقیق نیست. البته این وضعیت معلول یک دلیل خیلی کلی است؛ جشنواره‌ها تغییر رویکرد داده‌اند.

متأسفانه دیگر بازاری برای فیلم‌های هنری و مستقل وجود ندارد و نزدیک به یک دهه است که این بازار کوچک و کوچک‌تر شده به طوری که الان بعضی از کشورها و مناطق اصلاً خرید فیلم هنری ندارند. مثلاً کشور ژاپن اصلاً دیگر فیلمی با این تعریف خریداری نمی‌کند. لذا وقتی این بازار نیست، فیلم‌ها جای پخش ندارند ولی این به آن معنا نیست که تماشاگر بالقوه فیلم هنری وجود ندارد. اتفاقا هست ولی با تغییر روحیه و نگاه در این زمانه به گونه دیگری این فیلم‌ها را می‌بینند. یعنی کمتر حاضر می‌شوند پول بلیت برای آن بدهند. یعنی فقط به جشنواره‌های فیلم برای دیدن فیلم‌هایی از این دست رجوع می‌کنند. تلگرافی اگر بخواهم درباره این موضوع با شما صحبت کنم باید بگویم اواخر دهه ۸۰ میلادی پدیده مالتی‌پلکس به وجود می‌آید و تماشاگر را با سینما آشتی می‌دهد. یعنی تعداد تماشاگر افزایش پیدا می‌کند اما در واقع این تماشاگر فیلم‌های آمریکایی است که تعدادشان زیاد شده است. چراکه این مالتی‌پلکس‌ها به واسطه ماهیت‌شان، شرکت‌های بزرگ و چندملیتی را پشت سر خود دارند و اینها عمدتاً فیلم‌های آمریکایی را پشتیبانی می‌کنند. خب سینماهای تک‌سالی در رقابت با این مالتی‌پلکس یا پردیس‌های سینمایی دچار ورشکستگی می‌شوند. در نتیجه تعداد سینماهایی که فیلم‌های هنری نمایش می‌دهند هر روز کمتر و کمتر شده و شرکت‌های پخش رغبتی برای خرید این نوع فیلم‌ها ندارند، در چنین شرایطی باید جایی برای نمایش این فیلم‌ها یافت. اینجاست که جشنواره‌ها تغییر رویکرد می‌دهند. یعنی ما در اواخر دهه ۸۰ میلادی اگر ۳۰۰ جشنواره داشتیم، حالا بین شش تا هفت هزار جشنواره در سراسر دنیا برگزار می‌شود. در هر منطقه یا ناحیه کوچکی از یک شهر یک جشنواره برپا شده که نیازهای مردم آن منطقه را برای دیدن فیلم هنری برطرف می‌کند. پس تماشاگر تغییر به خوراکش دست پیدا می‌کند و جشنواره‌ها هم کار خود را می‌کنند. اتفاقی که این وسط می‌افتد این است که صاحبان فیلم و تهیه‌کنندگان آن دچار ضرر و زیان می‌شوند چون از بابت این نمایش‌ها درآمد چندانی ندارند. خب وقتی تعداد جشنواره‌ها زیاد شود تعداد فیلم‌هایی که در جشنواره‌ها به نمایش درمی‌آید بیشتر می‌شود پس آمار کمی حضورهای بین‌المللی سینمای ایران در مقایسه با ۱۰ سال پیش بیشتر شده است. الان سالی ۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰ حضور بین‌المللی داریم و سالی ۱۰۰ تا ۱۵۰ جایزه بین‌المللی دریافت می‌کنیم اما کیفیت این حضورها و کیفیت این جوایز پایین آمده است. یعنی نسبت به یکی دو دهه قبل افت شدیدی کرده است. حالا عده‌ای معتقدند این شرایط یک فرصت است و باید از آن استفاده کرد و عده‌ای هم می‌گویند نه این حضور را باید بهینه کرد و ره‌پروزی بیشتری داشت. خلاصه کیفیت حضور بین‌المللی سینمای ایران پایین آمده ولی کمیت بالا رفته است.

رئیس‌بان: این تغییر رویکرد که آقای اطیابی به درستی اشاره کردند چند امکان را به وجود می‌آورد. مثلاً تاثیر ارتباط‌های فرهنگی روی نخبگان. چون این تاثیر روی مردم عادی و فیلم‌های عامه‌پسند نیست، از این جهت می‌برند این



میزگرد بررسی حضور سینمای ایران در جهان - بخش اول

نه پیشرفت، نه پسرفت؛ درجا زده‌ایم

الهه خسروی‌یگانه

هنرهای روشنفکری هستند که آنها را سر و سامان می‌دهند. یک امکان دیگر خود همین حضور است. مثلاً اگر تیم فوتبال شما هیچ حضور بین‌المللی نداشته باشد قطعاً کشور موفق نیستید حتی اگر لیگ حرفه‌ای داشته باشید و آدم‌های زیادی درگیر فوتبال باشید ولی چون در عرصه بین‌المللی حضور موفقیت ندارید طبیعتاً هیچ محاسبه‌ای هم روی عملکرد شما صورت نمی‌گیرد. مساله بعدی این است که این حضور وقتی گسترش پیدا می‌کند و وارد رسانه‌های گروهی می‌شود نسبت به خود کشور شما و فرهنگش کجنگاوی ایجاد می‌کند. البته محدودیت‌هایی هم دارد. مثلاً امکان اقتصادی برایش دیگر تعریف نمی‌شود و به خاطر همین تولیدات در عرصه فیلمسازی داخلی کاهش پیدا می‌کند. ما فیلمسازی داشتیم که هیچ کدام از فیلم‌هایش در ایران اجازه اکران نمی‌گرفت ولی در جشنواره‌های خارجی موفق بود و جایزه می‌برد و از همین راه می‌توانست فیلم بعدی‌اش را بسازد. این اتفاق با محدودیت و به سختی می‌افتد. بنابراین شما باید بروید سراغ جشنواره‌های رده اول که در کنار خودشان بازار فیلم دارند و حالا ورود به این جشنواره‌ها سخت شده است چون هم سطح تولیدات ما پایین آمده هم رویکرد آنها تغییر کرده است بنابراین از این دو فاکتور به سمت رعایت استاندارد در موقعیت فعلی برویم تا فیلم‌ها ما دوباره آن کیفیت هنری را داشته باشند و وقتی این اتفاق افتاد تشخیص دهیم در عرصه تکثیر و فروش فیلم چه باید بکنیم.

فاکتور اولیهای که شما به آن اشاره کردید یعنی گرایش به فیلم‌های هنری از طرف بازار کم شده است، شاید خارج از حیطه توانایی ما باشد ولی در مورد پایین آمدن کیفیت فیلم‌ها چه می‌توان گفت؟ شما بر اساس چه فاکتورهایی به این نتیجه رسیده‌اید؟

اطیابی: این تنها عامل نیست. یعنی کیفیت نه چندان بالای فیلم‌های ایرانی باعث افت حضور ما نشده است. عوامل بسیار دیگری دخیل هستند. متأسفانه اظهارنظرها یا محاسبه‌هایی که بشویم که ناشی از بی‌اطلاعی از بدوی‌ترین اطلاعات درباره بازارهای جهانی است. وقتی این اطلاعات نباشد مسلماً به تحلیل‌های غلطی می‌رسیم و این تحلیل‌های غلط تبدیل به حکم و نهایتاً سیاست‌های نادرست می‌شوند و کل این جریان را به انحراف می‌کشند. این طور نیست. یک مجموعه دلایل وجود دارد که بکی‌اش می‌تواند افت کیفیت باشد. آن هم به این خاطر است که ما امروز در یک دوره گذار قرار داریم. الان نسل جدیدی از سینماگران ما وارد عرصه شده‌اند که نقطه عطف آن را می‌توانیم «دوره‌های» ساخته اصغر فرهادی بدانیم. به هر حال فکر می‌کنم یک مقدار باید بررداری بیشتری نشان دهیم و بعد به یک نتیجه قطعی برسیم. طبیعی است که در این دوره گذار که ما دچار افت شدیم یکی از مهم‌ترین دلایلش پایین آمدن کیفی فیلم‌های ایرانی بوده است. به هر حال بخشی از سینمای ما متأسفانه به غلط توجه کردند می‌توانند با دوبارسازی فیلم‌های موفق در جشنواره‌ها دوباره به همان موفقیت دست پیدا کنند. شاید یکی دو سال حداکثر یک جشنوراهی این فیلم‌ها را ببیزرد و درک نکنند که این فیلم‌ها آثار ارزنیالی نیست ولی بعد از آن دیدیم که برخورد شد و مشکلاتی به وجود آمد.

آنان عوامل دیگر چه هستند؟
اطیابی: من در تحلیل خودم به چند عامل رسیدم که می‌توانم به آن اشاره کنم. یکی همین افت کیفی فیلم‌های ایرانی است. مساله دوم این است که به فاصله انقلاب دیجیتال ما با سیسل فیلم‌های کوتاه یا مستند روبه‌رو شدیم. به خاطر همین است که اگر یک زمانی جشنواره‌ای با ۲۰۰ فیلم متقاضی روبه‌رو می‌شد که نهایتاً از میان آن بیست فیلم را در بخش مسابقه‌اش انتخاب می‌کرد اما امروز مثلاً جشنواره کن سه هزار فیلم دریافت می‌کند که نهایتاً برای سه بحثی خودش ۶۰ تا ۷۰ فیلم را مورد گزینش قرار می‌دهد. یعنی شما می‌بینید چه رقابت شدیدی به وجود آمده است. جدا از مساله انقلاب دیجیتال، مسائل سیاسی هم دخیل هستند. گفته می‌شد موفقیت فیلم‌های ایرانی مرتبط با مسائل سیاسی است. من در تجربه شخصی‌ام انکار نمی‌کنم که جشنواره‌های جهانی رویکرد سیاسی دارند. کیست که نداشته باشد؟ مگر



خود جشنواره فجر ندارد ولی ساده‌اندیشی است که فکر کنیم صرفاً یا رویکرد سیاسی فیلم‌ها را گزینش می‌کنند. از طرف دیگر هم فکر می‌کنم واقعاً ساده‌اندیشی است که گمان کنیم یک جشنواره مسائل سیاسی را داخل نمی‌کند. لذا مسائل سیاسی که طی ۸، ۱۰ سال گذشته در کشور ما به وجود آمده روی حضور بین‌المللی سینمای ایران تاثیر گذاشته است. من همیشه در این باره یک مثال می‌زنم. در یک شرایط برابر که مثلاً یک فیلم ایرانی در همین جشنواره کن در کنار یک فیلم آرژانتینی یا کره جنوبی ممکن است به صورت زوررو بالا بیاید، آن عضو هیات انتخاب کن اگر بگویم خودگاه، ناخوداگاه فیلم ایرانی را به عنوان اولین فیلم کنار می‌گذارد. عامل چهارم، سازوکار و شیوه عرضه و بازاریابی فیلم‌های ایرانی است که شیوه غلط دارد تکرار می‌شود. دوسودن در نهادهای دولتی هیچ اصلاً این ساختار باید به هم بریزد و متأسفانه همچنان این سوای تکرار این موفقیت‌ها برآمدن و برای خود امور بین‌الملل بین‌المللی کرد در ۱۰ سال اول انقلاب، برآمده از نیاز بود که در این مقطع وجود داشت. این نهادهای رسمی بعدها در دوره‌ای تکرار این موفقیت‌ها برآمدن و برای خود امور بین‌الملل تعریف کردند. تلویزیون، حوزه هنری، کلون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ادارات مختلف ارشاد، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی... هر کدام از اینها با بودجه‌های کلانی و ارتباطات دولتی... که برای ارتقای بین‌المللی سینمای ایران اختصاص داده شده بود، شروع کردند به انجام دادن کار موازی و این بودجه عظیم از دست رفت و همچنان هم دارد از دست می‌رود و ماحصلش چیزی نیست جز گزارش‌هایی که به مقام بالادستی ارائه می‌دهیم بابت اینکه بگوییم مثلاً ۱۰ تعداد فیلم ایرانی را در چند جشنواره نشان دادیم و چند هفته فیلم برگزار کردیم. یک نفر نیست بپرسد چم حاصل این کارها چه بوده؟ این هفته‌ها فیلم چه تاثیر فرهنگی روی حوزه ماوربیتی شما گذاشته؟ متأسفانه هیچ پاسخی وجود ندارد، حتی فکر می‌کنم هیچ پاسخی وجود ندارد تا بتواند تشخیص ارائه کند که تاثیر این حضورهای نمایش گونه به چه شکل بوده است.

رئیس‌بان: من فکر می‌کنم باید روش‌تر موقعیت طرح مساله را در داخل باز کنیم. یک نکته مهم در ارزیابی پدیده‌های فرهنگی این است که اول باید دید آن پدیده وجود دارد یا نه، بعد شما نسبت به آن آگاهی پیدا کنید و بعد تحلیل و راحل برایش تعریف کنید. متأسفانه کسانی که بیشترین حمله را نسبت به حضور بین‌المللی سینمای ایران دارند یک بار در یک جشنواره بین‌المللی حضور نداشته‌اند. یعنی هیچ از پدیده بی‌واسطه‌ای با آن نداشته‌ند و فقط می‌دانند که این جشنواره وجود دارد. حالا برای اینکه نظریات خودشان را به گروه‌های سیاسی که متجایل به آن نظریات هستند حخته کنند شروع به دلیل‌تراشی برای این نظریه می‌کنند. چون به هر حال در تئوری‌های اخیر حوزه توسعه شاخه‌های فرهنگی را نمونه رشد نمی‌دانند. می‌گویند انسان مساوی است با فرهنگ. یعنی ایندقدر این مقوله جدی است.

یعنی اگر انسان وجود دارد باید فرهنگ وجود داشته باشد و اگر فرهنگ وجود دارد باید تعامل جهانی هم باشد. حالا دیگر اینکه به این جشنواره‌ها برویم یا نرویم دیگر سوال‌هایی است که اصلاً وجود ندارند. وقتی شناخت نسبت به این پدیده وجود ندارد شما برای طرح مساله دچار اشکال هستید، برای نتیجه‌گیری هم آن وقت دو مشکل به وجود می‌آید. آنها می‌گویند همه کسانی که به این جشنواره‌ها می‌روند با نگاهی سیاسی در آن طرف برای سیانمایی در این طرف می‌روند ولی این یک امر کلی است که اصلاً قابل ارزیابی نیست. یعنی یک طرح مساله است که مع‌الفارق است. نه می‌شود ثابتش کرد نه نفی‌اش کرد. آقای اطیابی به درستی اشاره کرد، هم سیاست وجود دارد هم در عین حال فیلم باید دارای شاخصه‌های هنری باشد. مگر کشور ما چه بخشی از جهان را دارد مدیریت می‌کند که صرف سیانمایی یک فیلم برای همه جشنواره‌ها مساله باشد؟ مثلاً یک فیلمی در کن بود که اینارو تا راجع به شهر بارسلونا ساخته بود به نام Beautiful. نمره متوسط هم گرفت، جایزه بازیگر مرد را هم برد. اصلاً از این سیاهه‌تر امکان ندارد. کسی از آن کشور بود پول بگیرد و راجع به



واکنش پنجم

مستندها پشت در مجوز

هفته‌ای که گذشت درگیر اتفاق جدیدی برای فیلم‌های مستند بود. معاون سینمایی در پی تشکیل شورای ویژه برای فیلم‌های کوتاه خبر داده بود آیین‌نامه‌ای جدا برای فیلم‌هایی که مستقلاً به جشنواره‌های جهانی ارسال می‌شوند تصویب شده است. وی تاکید کرده بود: «لازم است تمام فیلم‌هایی که از سینمای ایران به جشنواره‌های جهانی راه پیدا می‌کنند مورد ارزیابی قرار گیرند و در این راستا قرار بر آن است که مرکز گسترش، فیلم‌های کوتاه و مستند را برای ارسال به جشنواره‌های جهانی در شورای مورد بررسی قرار بدهد. شورایی که قرار است برای فیلم‌های کوتاه و مستند در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تشکیل شود، تنها می‌تواند بگوید فیلم‌ها مجاز به حضور در جشنواره‌های جهانی هستند یا خیر.»موضوع این است که بخش زیادی از این فیلم‌ها ساخته مراکز دولتی نیستند. این مقام مسوول در این باره که اگر در این میان فردی بخواهد بدون هماهنگی فیلم خود را به جشنواره‌های بفرستد چگونه برخورد می‌شود، توضیح داد: «آیین‌نامه‌هایی درباره این موضوع در وزارت ارشاد به تصویب خواهد رسید و به مرور زمان اعلام می‌شود. این شورا تنها به بررسی حضور یا عدم حضور آثار در جشنواره‌های جهانی خواهد پرداخت.» بخش زیادی از جوایز ایران در عرصه سینما به فیلم‌های مستند برمی‌گردد، آثاری که سینماگران جوان با ذوق و علاقه شخصی آن را پیگیری کرده و ساخته‌اند. در این زمینه ایسنا چند گفت‌وگو با مستندسازان انجام داده است.

تنگناي بیشتر

فرهاد وره‌رام
حالا که قرار است چنین اتفاقی بیفتد آیا بهتر نیست جایی مانند اداره نظارت و ارزیابی وزارت ارشاد متصدی آن باشد؟
تنگنایی که قرار است فیلمی پروانه سات بگیرد همواره اداره نظارت

و ارزشیابی به بررسی آن می‌پردازد، حال در مورد حضور فیلم‌ها در جشنواره‌های خارجی آیا بهتر نیست همین نهاد به بررسی بپردازد به هر حال مرکز گسترش متولی این امر نیست و کار آن بیشتر به تولید مستند مربوط می‌شود.
حالا اگر قرار باشد پس از این کار، این امر هم برعهده مرکز قرار بگیرد از شآن و اعتبار این نهاد کاسته می‌شود. مستندسازان را نسبت به آن دست‌خوش تغییر می‌کند، متأسفانه در شرایطی هستیم که روزبه‌روز مستندسازان و سینمای مستند در تنگنای بیشتری قرار می‌گیرند حال این موهبه هم موجب آن می‌شود که بیش از گذشته با این سینما سلیقه‌ای برخورد شود.

سنگ‌اندازی

ناصر صفاریان
در چند سال گذشته و پیش این موضوع وجود داشت که محدودیت برای حضور فیلم‌های ایرانی از خارج از کشور صورت نگرفت؛ خواه فیلم بلند داستانی باشد یا فیلم کوتاه و مستند.در حال حاضر که آقای شمعق‌ری

به صراحتاً اعلام کردند مانع حضور برخی فیلم‌های بلند در خارج از کشور خواهند شد، اعمال چنین محدودیتی برای آثار کوتاه و مستند، بسیار عجیب است. فیلمسازی که با قرض و بدهی‌های مختلف و عملاً با تلاش کاملاً شخصی خودش، بدون هیچ کمکی از سوی دولت و هر نهاد دولتی فیلمش را ساخته این حق را دارد که برای نمایش فیلم خود تصمیم بگیرد.فیلم‌های مستند و کوتاه امروز ما امکان نمایش در سینماهای داخل کشور را ندارند و در جشنواره‌های داخلی با محدودیت روبه‌رو هستند و در تلویزیون هم به طور کلی به روی این آثار بسته است پس به همین دلیل فیلمساز، جشنواره خارجی را تنها محل برای دیده شدن فیلمش می‌داند. دولت موقعی می‌تواند دخالت کند که حمایتی انجام داده باشد. اگرچه این دخالت در شرایط ایده‌آل هم کار درستی نیست. ضمن اینکه فراموش نکنیم در این زمانه فراگیری اینترنت و برپچه شدن دیوارهای اطلاعات‌رسانی، چنین دستورالعمل‌هایی در عمل هیچ کاربردی نخواهد داشت.

خط‌کشی برای توقف سینما

نقی نعمتی

مگر ما در زمینه بخش بین‌الملل چند کارشناس داریم که حال عده‌ای از این افراد بخواهند در قالب یک شورا به ارزیابی فیلم‌های کوتاه و مستند بپردازند؟! به شخصه ما در حوزه فرهنگ با هر نوع آیین‌نامه، خط‌کشی و امنیتی‌کردن فضا مخالفم. اکنون ۳۰ سال است که فیلم‌ها می به همین شکل در جشنواره‌های مختلف دنیا به نمایش درآمده و طی این مدت مشکلی هم پیش نیامده است. مگن است سینمای کوتاه و مستند از نظر اکران، درآمد، موضوع یل... در این سال‌ها با شکست مواجه‌شده باشد، اما حضور جشنوراه‌ای این سینما همواره موفق بوده و برای فرهنگی این سرزمین افتخارات متعددی را کسب کرده است. وقتی در داخل کشور فضایی جهت عرضه و نمایش این فیلم‌ها فراهم نشده است و ما تنها دو جشنواره دولتی داریم و آنها هم برای انتخاب آثار با محدودیت‌های متعدد عمل می‌کنند، زمانی که صدا و سیما هیچ باکسی برای نمایش این آثار در نظر نگرفته و سینما هم هیچ‌گاه به اکران این فیلم‌ها نمی‌پردازد تنها راه دیده شدن این فیلم‌ها، جشنواره‌های جهانی است. علاوه بر این، این فیلم‌ها در نمایش‌های خارجی خود معمولاً برای کشور افتخاراتی را کسب می‌کنند، اما این مساله هیچ‌گاه مورد توجه دولتمردان قرار نمی‌گیرد. به هر حال این خط‌کشی‌ها باعث توقف سینما می‌شود و من فکر نمی‌کنم سینماگران خیلی با چنین طرح‌هایی موافق باشند.

